



Elucidating Architectural Dimensions in the Realization of Spatial Justice in the Islamic City with Emphasis on Urban Rights and Social Security

Maryam Nouri¹, Reyhaneh Sadat Hajmirsadeghi²

[Received: 2025/12/16 Accepted: 2026/05/15]

 10.22034/qacr.2026.2088056.1208

Abstract

In recent years, and at the same time as spatial inequalities in contemporary cities have intensified, the concept of spatial justice has become one of the fundamental approaches in urban studies. In the theoretical framework of the Islamic city, spatial justice is a multidimensional concept that is closely related to urban rights and social security and is manifested in the physical structure and spatial organization of the city. However, many contemporary cities in Islamic societies face challenges such as inequality in access to urban services, spatial discontinuity, and a decrease in the sense of security. The present study aims to explain the aspects of architecture in realizing spatial justice in the Islamic city and analyze the physical-spatial mechanisms affecting urban rights and social security. The research is fundamental-applied in terms of purpose and qualitative in nature, and was conducted with an interpretative-analytical approach based on qualitative content analysis with an emphasis on extracting a conceptual framework. The findings show that the realization of spatial justice in an Islamic city is based on three main mechanisms: spatial organization and access pattern, which play a decisive role in reducing or intensifying spatial inequalities; fair distribution of urban services and resources. The quality of urban spaces, which includes components such as safety, readability, lighting, and public usability and shapes the lived experience of justice. Also, urban rights, including equal access, social participation, and human dignity, act as a platform for the realization of spatial justice. The show that spatial justice, urban rights, and social security operate in the form of an intertwined conceptual system. In the meantime, architecture, as an intermediary and strategic tool, plays a fundamental role in the simultaneous realization of these three components in an Islamic city through spatial organization, improving the quality of the urban environment, and strengthening social interactions, and can be considered as guiding principles by architects and urban planners in the realization of an Islamic city.

Keyword: Spatial Justice; Urban Rights; Social Security; Islamic City; Architecture.

Citation: Nouri, M.& Hajmirsadeghi, R.S. (2026). Elucidating Architectural Dimensions in the Realization of Spatial Justice in the Islamic City with Emphasis on Urban Rights and Social Security. *Applied criminology research*, 4(11), 113-130.
https://www.qacr.ir/article_738183.html?lang=e

1. Assistant Professor, Department of Architecture, Shahr.C., Islamic Azad University, Shahryar, Iran. (Corresponding Author). Email: Maryam.nouri@iau.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Architecture, Shahr.C., Islamic Azad University, Shahryar, Iran. Email: reianeh@iau.ac.ir



تبیین سویه‌های معماری در تحقق عدالت فضایی در شهر اسلامی با تأکید بر حقوق شهری و امنیت اجتماعی

مریم نوری^۱✉، ریحانه سادات حاج میرصادقی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۵]

doi 10.22034/aqcr.2026.2088056.1208

چکیده

در سال‌های اخیر و هم‌زمان با تشدید نابرابری‌های فضایی در شهرهای معاصر، مفهوم عدالت فضایی به یکی از رویکردهای بنیادین در مطالعات شهری تبدیل شده است. در چارچوب نظری شهر اسلامی، عدالت فضایی مفهومی چندبعدی است که ارتباطی تنگاتنگ با حقوق شهری و امنیت اجتماعی دارد و در ساختار کالبدی و سازمان فضایی شهر متجلی می‌شود. با این حال، بسیاری از شهرهای معاصر در جوامع اسلامی با چالش‌هایی همچون نابرابری در دسترسی به خدمات شهری، گسست فضایی و کاهش احساس امنیت مواجه‌اند. پژوهش حاضر با هدف تبیین سویه‌های معماری در تحقق عدالت فضایی در شهر اسلامی و تحلیل سازوکارهای کالبدی- فضایی مؤثر بر حقوق شهری و امنیت اجتماعی انجام شده است. پژوهش از نظر هدف، بنیادی- کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی است و با رویکرد تفسیری-تحلیلی مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی با تأکید بر استخراج چارچوب مفهومی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تحقق عدالت فضایی در شهر اسلامی بر سه سازوکار اصلی استوار است: سازمان فضایی و الگوی دسترسی که نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش یا تشدید نابرابری‌های فضایی دارد؛ توزیع عادلانه خدمات و منابع شهری. کیفیت فضاهای شهری که شامل مؤلفه‌هایی نظیر ایمنی، خوانایی، نورپردازی و قابلیت استفاده عمومی بوده و تجربه زیسته عدالت را شکل می‌دهد. همچنین حقوق شهری شامل دسترسی برابر، مشارکت اجتماعی و کرامت انسانی که به‌عنوان بستر تحقق عدالت فضایی عمل می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی در قالب یک نظام مفهومی درهم‌تنیده عمل می‌کنند. در این میان، معماری به‌عنوان ابزار واسطه و راهبردی، از طریق سازمان‌دهی فضایی، ارتقای کیفیت محیط شهری و تقویت تعاملات اجتماعی، نقش اساسی در تحقق هم‌زمان این سه مؤلفه در شهر اسلامی ایفا می‌کند و می‌تواند به‌عنوان اصول راهنما موردتوجه معماران و شهرسازان در تحقق شهر اسلامی قرار بگیرد.

کلیدواژه‌ها: عدالت فضایی، حقوق شهری، امنیت اجتماعی، شهر اسلامی، معماری.

استناددهی: نوری، مریم، و حاج میرصادقی، ریحانه سادات. (۱۴۰۵). تبیین سویه‌های معماری در تحقق عدالت فضایی در شهر اسلامی با تأکید بر حقوق شهری و امنیت اجتماعی. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۴(۱۱)، ۱۱۳-۱۳۰.

https://www.qacr.ir/article_738183.html

۱. گروه معماری، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریار، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: Maryam.nouri@iau.ac.ir

۲. گروه معماری، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریار، ایران. رایانامه: reianeh@iau.ac.ir

مقدمه

عدالت^۱ همواره یکی از پرچالش‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین مفاهیم طی تاریخ بوده است. دستیابی به معنایی مشخص و تعریفی واحد از آن، تنها با ورود به عرصه گفت‌وگمانی خاصی ممکن است (سعیدی‌منفرد و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۷۱)، اگرچه مفهوم کلی عدالت از پذیرش و محبوبیت چشمگیری در میان توده مردم، دانشمندان، سیاستمداران و برنامه‌ریزان در جوامع گوناگون برخوردار است، اما برداشت‌ها، تبیین و شیوه اجرای عدالت نه تنها در همه‌جا یکسان نیست (میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۳). در دهه‌های اخیر، مفهوم عدالت فضایی^۲ به یکی از محورهای اصلی نظریه‌های انتقادی شهر تبدیل شده است. در رویکرد تولید اجتماعی فضا، هانری لوفور^۳ فضا را محصولی اجتماعی می‌داند که در بستر روابط قدرت، ساختارهای اقتصادی و ایدئولوژیک شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود. همچنین مفهوم «حق به شهر» که نخستین بار توسط لوفور صورت‌بندی شد، بر حق همگانی برای دسترسی برابر به فضاهای شهری، مشارکت در تولید فضا و بهره‌مندی از امکانات شهری تأکید دارد (Lefebvre, 1991, p.3-26). این مفهوم بعدها در ادبیات برنامه‌ریزی شهری و اسناد توسعه پایدار بازتاب یافته و به چارچوبی برای تحلیل حقوق شهری تبدیل شده است. در این چارچوب، کیفیت فضاهای عمومی، توزیع کاربری‌ها، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی از شاخص‌های کلیدی عدالت فضایی به شمار می‌روند.

در حوزه امنیت اجتماعی نیز پژوهشگران شهری نشان داده‌اند که طراحی کالبدی و سازمان فضایی نقش مستقیمی در شکل‌گیری احساس امنیت و نظارت اجتماعی دارد. برای مثال، جیکوبز^۴ با طرح مفهوم «چشم‌های ناظر بر خیابان» تأکید می‌کند که پویایی و حضورپذیری فضاهای عمومی می‌تواند امنیت اجتماعی را تقویت کند (Jacobs, 1961, p.173). همچنین نظریه «فضای قابل دفاع» اسکار نیومن^۵ نشان می‌دهد که ساختار فضایی و قلمروپذیری کالبدی بر میزان کنترل اجتماعی و کاهش جرم تأثیرگذار است (Newman, 1972, pp. 9-15). این دیدگاه‌ها حاکی از آن است که معماری و طراحی فضا نه تنها پیامدهای زیبایی‌شناختی، بلکه آثار اجتماعی و حقوقی نیز دارند.

از سوی دیگر، در سنت اندیشه اسلامی، عدالت به‌عنوان بنیان سامان اجتماعی و شهری مطرح شده است. در نظریه «مدینه فاضله»، فارابی عدالت را شرط تحقق نظم شهری و فضیلت اجتماعی می‌داند و ساختار شهر را در خدمت تعالی انسانی تعریف می‌کند (فارابی، ۱۳۷۱، ص

۱. ترجمه عربی عدالت به فارسی، «داد» و به انگلیسی "Justice" است.

2. Spatial Justice
3. Henri Lefebvre
4. Jane Jacobs
5. Oscar Newman





۱۱۰-۱۲۵). همچنین ابن خلدون در تحلیل عمران شهری، عدالت و امنیت را از ارکان دوام و پایداری شهر معرفی می‌کند (ابن خلدون، ۱۳۹۱، ۷۷-۹۵). بر این اساس، شهر اسلامی در بنیان نظری خود باید واجد ساختاری فضایی باشد که کرامت انسانی، رعایت حقوق همسایگی، دسترسی عادلانه به امکانات و امنیت اجتماعی را تضمین کند. با وجود این پشته‌نظر، بررسی وضعیت شهرهای معاصر در بسیاری از جوامع اسلامی نشان‌دهنده نوعی گسست میان مبانی عدالت‌محور و واقعیت کالبدی است؛ تمرکز نامتوازن خدمات، جدایی‌گزینی فضایی، ضعف کیفیت فضاهای عمومی و کاهش احساس امنیت اجتماعی از جمله نمودهای این گسست‌اند. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های موجود یا در سطح سیاست‌گذاری کلان‌شهری باقی‌مانده‌اند یا به مطالعه تاریخی شهر اسلامی پرداخته‌اند، درحالی‌که نقش «معماری» به‌عنوان کوچک‌ترین واحد تولید فضا در تحقق عدالت فضایی کمتر به‌صورت تحلیلی بررسی شده است. عدالت فضایی در شهر اسلامی عمدتاً در سطح گفتمان نظری باقی‌مانده و هنوز به چارچوبی عملیاتی در مقیاس معماری تبدیل نشده است. هدف اساسی پژوهش حاضر این است که نقش معماری نه صرفاً به‌عنوان یک فعالیت زیبایی‌شناختی، بلکه به‌عنوان ابزاری راهبردی در تحقق عدالت فضایی مورد بازخوانی و تبیین قرار گیرد. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که معماری در شهر اسلامی از طریق چه سازوکارهای کالبدی و فضایی می‌تواند به تحقق عدالت فضایی با تأکید بر حقوق شهری و امنیت اجتماعی کمک کند؟

۱. عدالت فضایی به‌مثابه بعد مکانی عدالت اجتماعی

مفهوم فضا^۱ یکی از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که می‌توان از جنبه‌های گوناگون به آن نگریست. در دهه ۱۹۷۰ این دیدگاه «فضا به‌مثابه یک ساخت اجتماعی» مطرح شد؛ به این معنا که روابط اجتماعی و کنش‌های مادی برآمده از جامعه، شکل‌دهنده مفهوم فضا هستند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، اندیشمندانی همچون میشل فوکو (۱۹۸۶)، آنتونی گیدنز (۱۹۹۵)، پیر بوردیو (۱۹۸۵) و هانری لوفور (۱۹۹۱) به تبیین این مفهوم پرداختند. فضا در واقع محصول فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی است (Fusch, 2019, p. 131). از این منظر، فضا نه یک ظرف خنثی، بلکه عرصه‌ای فعال در شکل‌دهی به مناسبات اجتماعی است. از جمله مهم‌ترین تعاریف عدالت می‌توان به «رعایت حقوق هر چیز یا هر کس مطابق با شایستگی‌اش»، «اعطای حق به هر ذی‌حقی»، «شایستگی»، «انصاف»، «مساوات» و نظایر آن اشاره کرد (ایمانی و سبزی، ۱۴۰۴، ص ۲۱۶). از سویی دیگر، ادوارد سوجا مفهوم «عدالت فضایی» را اولین بار این‌گونه



مطرح کرد که نحوه سازمان‌یابی جغرافیایی منابع، خدمات و زیرساخت‌ها می‌تواند به بازتولید نابرابری اجتماعی یا تحقق عدالت منجر شود (Soja, 2010, pp. 5-7)؛ بنابراین عدالت اجتماعی بدون توجه به بعد فضایی آن قابل تحقق نیست. عدالت فضایی یکی از ابعاد اساسی عدالت اجتماعی در محیط شهری است که به توزیع عادلانه منابع، خدمات و فرصت‌ها در شهر اشاره دارد و هدف آن کاهش نابرابری‌های مکانی است (Rawls, 1971, p. 57) و به توزیع عادلانه منابع، خدمات و فرصت‌ها در فضاهای شهری اشاره دارد (Harvey, 1973, p. 87).

87) عدالت فضایی چند بعد دارد: دسترسی فضایی، توزیع خدمات و کیفیت فضاها.

- دسترسی فضایی: شهروندان باید توانایی دسترسی به خدمات و امکانات شهری را بدون تبعیض و مانع داشته باشند.

- توزیع خدمات: منابع و خدمات شهری باید به‌طور متوازن بین مناطق مختلف توزیع شوند تا نابرابری‌ها کاهش یابد.

- کیفیت فضاها: عدالت فضایی نه تنها به کمیت، بلکه به کیفیت دسترسی و تجربه فضایی نیز مرتبط است؛ فضاهای شهری باید امن، راحت و قابل استفاده برای همه گروه‌ها باشند. تحلیل متون نشان می‌دهد که دستیابی به عدالت فضایی نیازمند طراحی سازمان فضایی مناسب و مکان‌یابی دقیق خدمات شهری است تا فرصت‌های برابر برای همه شهروندان فراهم شود. بی‌عدالتی در نحوه توزیع خدمات و تسهیلات شهری تأثیر جبران‌ناپذیری را بر ساختار و ماهیت شهرها به‌خصوص در گسترش پهنه‌های فقر شهری و شکل‌گیری سکونتگاه‌های حاشیه‌ای می‌گذارد. عدم تعادل پراکنش در خدمات در این‌گونه سکونتگاه‌ها به شکل‌گیری عدم تعادل فضایی و محرومیت ساکنان از خدمات و تسهیلات شهری و افزایش شکاف طبقاتی منجر شده است (سعیدی منفرد و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۶۷-۷۱).

۲. نقش حقوق شهری در تحقق عدالت فضایی

حقوق شهری به توانمندسازی شهروندان برای بهره‌مندی برابر از فضاها و خدمات شهری اشاره دارد و مفهومی جامع است که شامل دسترسی، مشارکت و حفظ کرامت انسانی می‌شود. مؤلفه‌های حقوق شهری عبارت‌اند از:

- دسترسی برابر: همه شهروندان باید امکان بهره‌برداری از فضاها و خدمات عمومی را داشته باشند.

- مشارکت اجتماعی: شهروندان باید در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی شهری مشارکت فعال داشته باشند.



کرامت انسانی: طراحی فضاها باید امکان حضور امن، راحت و با احترام برای تمامی افراد را فراهم کند (Fainstein, 2010, p. 38). حقوق شهری و عدالت فضایی به‌طور مستقیم به هم مرتبط هستند و تحقق هر کدام بدون دیگری ناقص است (Feitosa et.al, 2024).

۳. عوامل مؤثر بر ایجاد امنیت اجتماعی در شهرها

امروزه احساس امنیت و مصونیت از خطر در فضاهای عمومی چندوجهی است که فراتر از صرف نبود تهدید فیزیکی، به‌عنوان شاخصی کلیدی در پویایی زندگی شهری و کیفیت فضاهای عمومی شناخته می‌شود (عبداللهی و دیگران، ۱۴۰۴، ص ۳۱). امنیت اجتماعی فراتر از فقدان جرم و جنایت است و شامل حفظ سلامت، رفاه و آرامش شهروندان در محیط شهری می‌شود. داده‌ها و تحلیل‌های نظری نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر ایجاد امنیت اجتماعی عبارت‌اند از:

- نظارت طبیعی و حضور مستمر افراد: طراحی مسیرها و فضاها که امکان دید طبیعی و حضور شهروندان را فراهم کند.
- تعاملات اجتماعی: فضاهای عمومی باید امکان برقراری تعاملات اجتماعی، تجمعات فرهنگی و فعالیت‌های گروهی را فراهم کنند.
- کیفیت محیط و خدمات ایمن: محیط شهری باید تجربه استفاده امن و راحت را تضمین کند.

- تحقیقات نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی تنها با وجود عدالت فضایی و حقوق شهری تقویت می‌شود و بدون آن‌ها کارکرد کامل ندارد (Newman, 1972; Jacobs, 1961).

۴. عناصر معماری و شهرسازی و تأثیر آن در ساخت و سازمان فضائی شهرسازی اسلامی از دیدگاه صاحب‌نظران

رواج اصطلاح «شهر اسلامی» و اطلاق آن به شهرهای تاریخی، عمدتاً از قرن نوزدهم میلادی و توسط خاورشناسان آغاز شد و بعدها در ادبیات مطالعات شهری تثبیت گردید. در این رویکرد، شهر اسلامی نه یک الگوی ثابت، بلکه مفهومی تفسیری و تاریخی تلقی می‌شود که به شهرهای شکل‌گرفته در بستر تمدن اسلامی اشاره دارد (Bianca, 2000, pp. 24-50). از آنجایی که شهرهای سنتی ایران نیز در بستر تمدن اسلامی شکل‌گرفته و محل سکونت مسلمانان بوده‌اند، در ادبیات شهرسازی با عنوان شهرهای سنتی-اسلامی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. معماری و شهرسازی ایران در طول تاریخ خود تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده است، اما شرایط اقلیمی و میراث فرهنگی نقش برجسته‌تری در شکل‌گیری ساختار فضایی شهرها داشته‌اند. شهرهای سنتی ایران که بر پایه نظامی تدریجی و مبتنی بر تجربه زیسته



اجتماعی شکل گرفته‌اند، به شدت متأثر از اقلیم، معیشت و ساختارهای فرهنگی بوده‌اند و همین عوامل موجب تمایز فضایی و کالبدی آن‌ها شده است. در ادبیات شهر اسلامی، دیدگاه‌های مختلفی درباره عناصر سازنده شهر مطرح شده است، اما اغلب پژوهشگران بر مجموعه‌ای از عناصر مشترک کالبدی، فضایی و اجتماعی تأکید دارند که ساختار شهر اسلامی را تعریف می‌کنند (Balilan Asl et al., 2014, pp. 81-105).

عناصر شاخص سازمان فضائی شهر اسلامی به سه دسته عمده هسته یا مرکزیت، ساختار شهر و کل‌های کوچک تقسیم می‌شود (منصوری، ۱۳۹۲، ص ۵۱). همچنین فلامکی عناصر شهر اسلامی را به شش دسته سکونت، مذهبی، تجاری، تولیدی، خدمات عمومی و شبکه‌های ارتباطی و راه‌یابی تقسیم می‌نماید (فلامکی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۸). توسلی در یک دسته‌بندی نه‌گانه عناصر اصلی شهرهای دوره اسلامی را بدین ترتیب برمی‌شمارد: ۱. مراکز حکومتی، دیوانی و اداری شهرها، ارگ شهر، ۲. مراکز مذهبی شهر، ۳. کارگاه‌های شهر، ۴. مراکز تجاری شهر، ۵. محلات شهر، ۶. عناصر خدماتی، ۷. گذرهای اصلی شهر، ۸. دیوارهای گرد شهر با دروازه‌ها، ۹. محلات روستایی بیرون شهر (توسلی، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

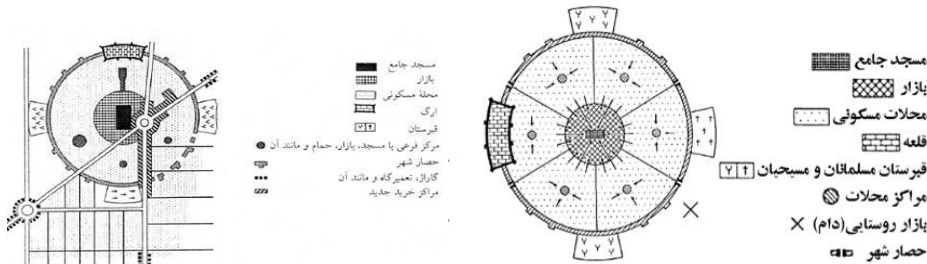
از دیدگاه الصیاد، انگیزه‌های سیاسی مهم‌ترین نقش را در ساختاربندی شهر اسلامی داشته است. به‌طوری‌که شهر با داشتن نواحی مسکونی متمایز بر اساس عوامل نژادی، قومی و مذهبی در اطراف مسجد جامع و بازار و تعدادی حمام عمومی هم‌جوار آن، چیدمان یافته است (هوشمند و علیزاده، ۱۳۹۰، ص ۷۲). در این ساختار الگوی خیابان‌های نامنظم تار عنکبوتی بر روابط فضایی شهر تسلط داشته است و مرکزیت در ساختار شهر اسلامی ناشی از مرکزیت سیاسی است (Alsayyad, 1997, p. 95). از نظر دتمان و ویرث^۱ شهرهای سنتی ایرانی - اسلامی کارکردها و ویژگی‌هایی به شرح زیر دارند:

- وجود سلسله مراتبی از کارکردها با مسجد آدینه و بازار به‌عنوان هسته مرکزی فضایی هر شهر اسلامی.

- وجود سلسله مراتب بازرگانی و پیشه‌وری در درون بازار، به‌طوری‌که نه تنها نظم و ترتیب مشخصی از فعالیت‌های کسب‌وکار و صنف بندی در سراسر مجموعه بازار به چشم می‌خورد، بلکه از نظر بازرگانی، دکان‌ها با کالاهای مرغوب و طراز اول در مجاورت هسته بازار و گذرگاه‌ها یا راسته‌های معتبر بوده و دادوستد کالاهای کم‌ارزش‌تر در فاصله دورتری از مرکز جایگزین شده‌اند.

- وجود محلات مسکونی درون‌شهری با جدایی گزینی مناسب و هماهنگ با تفاوت گذاری‌های اجتماعی، قومی، دینی و ... مردم شهر.

- وجود تأسیسات و استحکامات نظامی - دفاعی مانند حصار، برج، بارو، دروازه، بندها و دربندهای محلات.
- مشخصات خاص دیگری نظیر گورستان‌ها و بازارهای دوره‌ای بیرون باروی شهر (اهلرز، ۱۳۷۳، ص ۳۰-۳۱؛ تصویر ۱).



تصویر ۱. مدل دتمان از شهرهای اسلامی سنتی، سمت چپ: مدل دتمان از شهرهای اسلامی مدرن
منبع: (اهلرز، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶ و ۱۸۷)

به‌طورکلی برای شهرهای سنتی ایران پنج عنصر اصلی مورد شناسایی قرار گرفته است که عبارت‌اند از: ۱. عناصر مذهبی شامل مسجد، تکیه و حسینیه، ۲. ارگ شهر (عناصر حکومتی) جایگاه مرکز حکومتی، دیوان‌خانه‌ها و مقر عمده نظامیان در شهر، ۳. عناصر تجاری، بازرگانی، بازار شهر، مراکز اقتصادی و مالی، شامل منزلگاه‌ها، کاروان‌سراها، تیمچه‌ها و قیصریه‌ها، ۴. محلات شهر (محلات مسکونی) و ۵. گذرهای اصلی (توسلی، ۱۴۰۱، ص ۲۴) که از این میان مسجد جامع، بازار و محلات مسکونی ارکان اصلی شهرهای ایران پس از اسلام را تشکیل می‌دهند. جدول شماره (۱) جمع‌بندی کاملی از عناصر سازنده شهرهای اسلامی و چگونگی تأثیر آن‌ها بر سازمان فضائی شهر ایرانی پس از اسلام را ارائه می‌نماید؛ بنابراین شهر ایرانی-اسلامی مجموعه‌ای متشکل از عناصر معماری و شهری است که در کنار هم و در ترکیب با یکدیگر آن را می‌سازند. شهر نه تنها ویژگی غالب خود را به تک‌تک عناصر می‌بخشد، بلکه از سیما و نحوه کارکرد و نیز استقرار آن‌ها متأثر می‌شود. هر مجموعه شهری دارای لایه‌های کارکردی متعددی است؛ که باهم هویت شهر را می‌سازند. این کارکردها که عبارت‌اند از کارکردهای مذهبی، تجاری، خدماتی، مسکونی و حکومتی، هر کدام فضاها و کالدهای مختص به خود را دارند و درواقع به‌واسطه آن‌ها نیازهای پیش‌گفته را برطرف می‌کنند. یکی از عوامل مؤثر در کارایی هر مجموعه، نحوه قرارگیری عناصر نسبت به دیگر اجزا و نیز کل مجموعه است. در شهرهای سنتی ایران تک‌تک عناصر اعم از مذهبی، خدماتی، تجاری و ... متناسب با نحوه ترکیب خود با انواع راه‌های اصلی و فرعی یا شهری و محله‌ای و نیز نوع مجاورت با

دیگر عناصر، علاوه بر به جای آوردن نقش ویژه خود در شهر به عنوان مکملی برای دیگر عناصر نیز ایفاء وظیفه می کردند (بلیلان و ستارزاده، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵).

جدول ۱. عناصر معماری و شهرسازی و تأثیر آن در سازمان فضائی شهرسازی اسلامی (بلیلان و ستارزاده، ۱۳۹۴)

واحد ها و محلات	۱. تعیین جهت گیری غالب شهر، ۲. ایجاد واحدهای همسایگی، ۳. به وجود آمدن کوچه های بن بست برای حفظ حریم
مسکونی	۱. معابر از نوع فرعی و بن بست برای حفظ حریم ۲. تفکیک بر مبنای شغل یا مشخصه غالب سکنه
مرکز محله	۱. استقرار فضاهای مذهبی، خدماتی، تجاری... در بدنه یا مجاورت آن، ۲. دارای کاربری های عمومی مختص محله یا محدوده معینی از یک محله، ۳. غالباً در کنار راه اصلی محله.
مساجد	۱. قرارگیری در کنار مسجد جامع یا سایر مراکز مذهبی، ۲. استقرار فضاهای خدماتی مرتبط مانند حجره فروش کاغذ، دوات و صحافی، ۳. ارتباط با معابر و میدان ها مهم شهری. ۱. شکل گیری مراکز محله، ۲. مؤثر در تعریف و شناسایی معابر اصلی محلات
بخش حکومتی	۱. به وجود آمدن میدان ها نظامی و حکومتی، ۲. استقرار در کنار مسجد جامع و یا بازار، ۳. اختصاص یافتن یک دروازه به بخش حکومتی
گذر	۱. استقرار عناصر مهم خدماتی در کنار آن، ۲. استقرار عناصر مهم حکومتی مانند سربازخانه و قراول خانه در کنار آن، ۳. استقرار عناصر مهم تجاری همچون بازار اصلی در کنار آن، ۴. قرارگیری مسجد جامع در مجاورت آن، ۵. اتصال دروازه های اصلی
بازار	۱. مهم ترین محور ارتباطی شهر، ۲. اتصال دروازه های مهم شهر به یکدیگر، ۳. مؤثر در تعیین کارکرد شهر، ۴. مؤثر در شکل گیری و توسعه کلی شهر، ۵. شکل گیری و استقرار فضاهای خدماتی در محدوده مؤثر آن
میدان	۱. استقرار در امتداد معابر اصلی منتهی به یکی از دروازه های اصلی، ۲. قرارگیری عناصر مهم شهری مانند بازار و مسجد جامع در مجاورت آن ۱. حوزه کارکردی محدود به یک محله، غال با در کنار راه اصلی محله، ۲. لزوماً در مرکز فیزیکی و هندسی محله قرار ندارد، ۳. طراحی و شکل گیری پس از شکل گیری محله های مسکونی
بارو و دروازه	۱. تقسیم به دودسته اصلی و فرعی، ایجاد امکان ارتباط میان داخل و خارج شهر (اصلی و فرعی)، ۲. قرارگیری در امتداد راه ها و جاده های اصلی (دروازه های اصلی)، ۳. پذیرش بیشترین رفت و آمد افراد و کاروان ها (دروازه اصلی)، ۴. در امتداد راه های منتهی به باغ ها و کارگاه های خارج از شهر (دروازه فرعی)، ۵. اختصاص یکی از دروازه ها به ارگ و بخش حکومتی.
رودخانه و پل	۱. دارای کارکرد ارتباطی، ۲. به وجود آمدن برخی فضاهای تفریحی و گذران اوقات در کنار برخی از پل ها، ۳. گاه به وجود آمدن یک فضای شهری، ۵. گاه استقرار در امتداد راه های مهم و دروازه های اصلی، ۶. در برخی موارد محل تجمع چارپایان و کاروانیان





شهر اسلامی چارچوب نظری و عملی توسعه شهری است که اصل عدالت، اخلاق و کرامت انسانی را در طراحی و برنامه‌ریزی شهری مدنظر قرار می‌دهد. طراحی شهری باید زمینه تحقق عدالت فضایی، حقوق شهروندان و امنیت اجتماعی را فراهم کند و برنامه‌ریزی فضایی و معماری شهری باید ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی را در اولویت قرار دهد (امین‌زاده و نقی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۱-۳۰).

۵. روش

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی-کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی است و با رویکرد تفسیری-تحلیلی انجام شده است. راهبرد تحقیق، مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی با تأکید بر استخراج چارچوب مفهومی است. انتخاب رویکرد کیفی به دلیل ماهیت نظری و چندلایه مفاهیم موردبررسی از جمله عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی صورت گرفته است؛ مفاهیمی که نیازمند تفسیر عمیق و تحلیل روابط مفهومی در بستر نظری هستند.

داده‌های پژوهش به روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده و شامل کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌های معتبر مرتبط با سه حوزه مذکور بوده است. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون انجام شده است. در این فرآیند، متون منتخب به‌صورت چندباره مطالعه و کدگذاری اولیه انجام شد و مفاهیم کلیدی مرتبط با پژوهش از جمله دسترسی فضایی، توزیع خدمات، مشارکت شهروندی، کرامت انسانی، نظارت طبیعی، قلمروپذیری و امنیت محیطی استخراج گردید. در مرحله بعد، این کدهای اولیه بر اساس شباهت‌های مفهومی و روابط نظری در قالب مقوله‌های محوری سازمان‌دهی شدند و پیوند میان مفاهیم عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفت.

در مرحله نهایی نیز مقوله‌های شکل‌گرفته یکپارچه شده و چارچوب مفهومی پژوهش با محوریت نقش معماری در تحقق عدالت فضایی در شهر اسلامی استخراج گردید. به‌منظور افزایش اعتبار و انسجام تحلیل، فرایند کدگذاری به‌صورت چندمرحله‌ای و تکرارشونده انجام شد و یافته‌های حاصل با ادبیات نظری موجود تطبیق داده شدند تا از سوگیری تفسیری کاسته شده و اعتبار نتایج تقویت شود. خروجی نهایی این فرایند، ارائه چارچوب مفهومی پژوهش بوده است (تصویر ۲).



انتخاب رویکرد کیفی

واکاوی مفاهیم نظری عدالت فضایی، حقوق شهری، امنیت اجتماعی، شهر اسلامی

نوع پژوهش

هدف: بنیادی، کاربردی
ماهیت: کیفی
رویکرد: تفسیری - تحلیلی
راهبرد: تحلیل محتوای کیفی

روش تحلیل داده‌ها

- کدگذاری باز: استخراج مفاهیم کلیدی مرتبط با عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی از متون منتخب.
- کدگذاری محوری: دسته‌بندی مفاهیم در قالب مقولات میانی مانند دسترسی فضایی، توزیع خدمات، قلمروپذیری، نظارت طبیعی، کرامت انسانی و برابری فضایی.
- کدگذاری انتخابی: یکپارچه‌سازی مقولات در قالب چارچوب مفهومی نقش معماری در تحقق عدالت فضایی در شهر اسلامی.

اعتبار و پایایی پژوهش

مثلث‌سازی نظری: در سه حوزه نظری متفاوت (عدالت فضایی غربی، نظریه‌های امنیت محیطی و اندیشه اسلامی).
تحلیل‌ها با بازخوانی چندمرحله‌ای متون و مقایسه تطبیقی دیدگاه‌ها
ارائه یک چارچوب مفهومی چندلایه است که نشان می‌دهد معماری از طریق سازمان فضایی، کیفیت قلمروها، الگوی دسترسی و ساختار تعاملات اجتماعی می‌تواند به تحقق عدالت فضایی، تضمین حقوق شهری و ارتقای امنیت اجتماعی در شهر اسلامی.

تصویر ۲. روش‌شناسی پژوهش

۶. بحث

۶-۱. تعامل مفهومی میان عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی

تحلیل متون و مطالعات نشان می‌دهد که سه مفهوم عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی به صورت یک شبکه پیوسته با یکدیگر عمل می‌کنند و این سه مؤلفه می‌تواند به عنوان اصول راهنما مورد توجه معماران و شهرسازان در تحلیل و تبیین نقش معماری در شهر اسلامی به صورت هدفمند قرار بگیرد. اصول راهنما اشاره به اصولی است که طراح به آن‌ها باور دارد و از آن‌ها در قالب‌بندی و فهم اولویت‌های مسئله طراحی بهره می‌گیرد و منجر به شکل‌گیری فهم مؤثر مسئله و در نهایت حل مسئله خواهد شد. این اصول که متکی به جهان‌بینی طراح شکل می‌گیرند، موجب نوعی وحدت رویه در قبال برخورد با مسئله‌های گوناگون طراحی می‌شوند (نوری و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۴۹-۶۴). با توجه به تحولات کالبدی شهرهای اسلامی معاصر و تأثیرپذیری آن‌ها از الگوهای مدرنیستی، ضروری است منشأ نظری مؤلفه‌ها و اصول راهنما به صورت شفاف تفکیک شود. بر این اساس، برخی از سویه‌های



معماری ریشه در متون دینی و سنت‌های کالبدی شهر اسلامی دارند و برخی دیگر حاصل تجربیات و نظریه‌های معاصر حوزه طراحی و برنامه‌ریزی شهری هستند که در جدول ۲ قابل مشاهده است. می‌توان گفت، عدالت فضایی بدون حقوق شهری، صرفاً یک توزیع کالبدی است. حقوق شهری بدون امنیت اجتماعی، امکان حضور و مشارکت شهروندان را کاهش می‌دهد. امنیت اجتماعی بدون عدالت فضایی و دسترسی برابر ناقص است و نابرابری را تشدید می‌کند.

۲-۶. سازوکارهای تحقق عدالت فضایی در شهر اسلامی

تحقق عدالت فضایی در شهر اسلامی بر سه سازوکار اصلی استوار است. نخست، سازمان فضایی و الگوی طراحی مسیرها است؛ به گونه‌ای که نحوه چیدمان محلات، شبکه‌های دسترسی و مسیرهای ارتباطی نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد یا کاهش نابرابری‌های فضایی دارد. طراحی نامتعادل و گسسته فضاها شهری می‌تواند منجر به محدودیت دسترسی گروه‌های مختلف به خدمات شهری و تشدید نابرابری فضایی شود. دوم، توزیع خدمات و منابع شهری است که شامل خدمات آموزشی، فرهنگی، درمانی و تفریحی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدم توازن در توزیع این خدمات، به شکل‌گیری شکاف‌های اجتماعی و محرومیت فضایی گروه‌های خاص شهری منجر می‌شود. سوم، کیفیت فضاها شهری است که شامل مؤلفه‌هایی نظیر نورپردازی، مبلمان شهری، ایمنی و سهولت دسترسی می‌شود و نقش مهمی در تجربه زیسته عدالت فضایی دارد. کیفیت پایین فضاها علاوه بر کاهش حس تعلق، موجب بازتولید نابرابری ادراک‌شده در میان شهروندان می‌شود. بر این اساس، معماری شهری از طریق سازمان‌دهی فضایی و ارتقای کیفیت محیطی، نقش اساسی در عملیاتی‌سازی عدالت فضایی در شهر اسلامی ایفا می‌کند.

۳-۶. حقوق شهری به مثابه بستر فضایی تحقق مشارکت و کرامت اجتماعی

حقوق شهری در شهر اسلامی دارای سه بعد اساسی است. دسترسی برابر به فضاها و خدمات عمومی است که بر حق استفاده بدون تبعیض از امکانات شهری تأکید دارد. فقدان این دسترسی برابر، به تعمیق نابرابری اجتماعی و کاهش مشارکت شهروندی منجر می‌شود. کرامت انسانی و مشارکت اجتماعی است؛ به این معنا که فضاها شهری باید امکان حضور فعال، تعامل اجتماعی و مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری را برای شهروندان فراهم سازند. چنین شرایطی موجب تقویت حس تعلق و انسجام اجتماعی در شهر می‌شود. سومین بعد، انعطاف‌پذیری فضایی است که به توانایی فضاها در پاسخگویی به نیازهای متنوع گروه‌های اجتماعی اشاره دارد و زمینه حضور فراگیر و برابر گروه‌های مختلف را فراهم می‌کند. در این

میان، حقوق شهری زمانی قابل تحقق است که بر بستر عدالت فضایی و در تعامل با ساختار کالبدی و اجتماعی شهر شکل گیرد.

۶-۴. پیوند امنیت اجتماعی با کیفیت فضایی و تعاملات اجتماعی در شهر اسلامی

امنیت اجتماعی در شهر اسلامی مفهومی فراتر از کاهش جرم و کنترل ناهنجاری‌ها دارد و شامل ارتقای کیفیت تعاملات اجتماعی، افزایش حس تعلق و بهبود تجربه زیسته شهری است. در این راستا، نظارت طبیعی و حضور مستمر شهروندان از طریق طراحی مناسب فضاهای شهری، نقش مهمی در کاهش احساس ناامنی و افزایش کنترل اجتماعی غیررسمی دارد. همچنین، تقویت تعاملات اجتماعی و همبستگی جمعی از طریق فضاهای عمومی فعال، به افزایش انسجام اجتماعی و ارتقای امنیت ادراکی شهروندان کمک می‌کند. علاوه بر این، کیفیت محیط شهری و ارائه خدمات ایمن، تأثیر مستقیم بر احساس امنیت و رضایت از فضاهای شهری دارد. در مجموع، امنیت اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که فضاهای شهری امکان حضور فعال، تعامل مستمر و تجربه زیسته ایمن را برای شهروندان فراهم کنند.

۷. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی در شهر اسلامی در قالب یک نظام مفهومی درهم‌تنیده و تعاملی عمل می‌کنند. در این نظام، عدالت فضایی به‌عنوان زیرساخت اصلی، بستر دسترسی برابر به منابع و خدمات شهری را فراهم می‌سازد. حقوق شهری در ادامه این ساختار، امکان بهره‌برداری برابر، مشارکت اجتماعی و تحقق کرامت انسانی را تضمین می‌کند. در نهایت، امنیت اجتماعی به‌عنوان خروجی این تعامل، در پیوند با کیفیت فضایی و میزان عدالت در دسترسی، شکل می‌گیرد. در این میان، معماری شهری نقش واسطه و یکپارچه‌کننده این سه مؤلفه را ایفا کرده و از طریق سازمان‌دهی فضایی، کیفیت‌بخشی به محیط و تسهیل تعاملات اجتماعی، زمینه تحقق هم‌زمان عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد (جدول ۲).

جدول ۲. چارچوب نظری عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی با تأکید بر نقش

سویه‌های معماری در شهر اسلامی

حوزه	سویه‌های معماری	حوزه	مقیاس	نقش در شهر اسلامی	تأثیر
عالت فضایی	سازمان فضایی و الگوی دسترسی	برنامه‌ریزی شهری	شهر	ساختاردهی به شبکه دسترسی و توزیع فرصت‌ها	کاهش نابرابری فضایی
	توزیع عادلانه خدمات و زیرساخت‌ها	برنامه‌ریزی شهری	شهر	تعادل در پراکنش خدمات شهری	تحقق عدالت فضایی و کاهش محرومیت





حوزه	سویه‌های معماری	حوزه	مقیاس	نقش در شهر اسلامی	تأثیر
حقوق شهری	پیوستگی شبکه شهری و حمل‌ونقل	برنامه‌ریزی شهری	شهر	یکپارچه‌سازی ساختار فضایی و جریان حرکت	افزایش عدالت دسترسی
	دسترسی برابر به فضاها و خدمات	شهرسازی	شهر	تضمین بهره‌مندی بدون تبعیض از امکانات شهری	تحقق حق به شهر
	مشارکت اجتماعی در تولید فضا	شهرسازی	شهر	امکان دخالت شهروندان در تصمیم‌سازی شهری	تقویت عدالت
	کرامت انسانی و کیفیت حضور در فضا	معماری	بنا تا شهر	طراحی فضاهای انسان‌محور و احترام به حضور اجتماعی	ارتقای عدالت اجتماعی
	نظارت طبیعی و خوانایی فضایی	معماری	فضای عمومی	کنترل غیررسمی	کاهش احساس ناامنی
امنیت اجتماعی	قلمروپذیری و کنترل فضایی	معماری	بنا / محله	تعریف مرزهای رفتاری و کاهش فضاهای رهاشده	افزایش امنیت واقعی
	کیفیت محیطی و آسایش فضایی	معماری	محله / فضای عمومی	ارتقای نور، مبلمان، ایمنی و قابلیت استفاده	افزایش امنیت ادراکی
	تقویت تعاملات اجتماعی و سرزندگی	معماری	محله	افزایش حضورپذیری و فعالیت اجتماعی	انسجام اجتماعی و امنیت پایدار

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین سویه‌های معماری در تحقق عدالت فضایی در شهر اسلامی و با تأکید بر حقوق شهری و امنیت اجتماعی انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که عدالت فضایی در شهر اسلامی مفهومی صرفاً نظری یا اخلاقی نیست، بلکه واجد ابعاد کالبدی-فضایی قابل تحلیل در مقیاس معماری و شهرسازی است. در این چارچوب، معماری به‌عنوان کوچک‌ترین واحد تولید فضا، نقش واسط و تعیین‌کننده‌ای در پیوند میان ساختار فضایی شهر و تجربه زیسته شهروندان ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عدالت فضایی در سه بعد اصلی سازمان فضایی، توزیع خدمات شهری و کیفیت فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی قابل تحقق است. این سه بعد نه تنها بر دسترسی برابر شهروندان به منابع و امکانات شهری اثرگذارند، بلکه به‌طور مستقیم در شکل‌گیری یا کاهش نابرابری‌های فضایی نقش دارند. در این میان، سازمان فضایی به‌عنوان بستر ساختاری شهر، امکان یا محدودیت دسترسی را تعریف می‌کند؛ توزیع خدمات، توازن یا عدم توازن عدالت عملکردی را رقم می‌زند و تجربه ادراکی شهروندان از عدالت یا بی‌عدالتی را شکل می‌دهد.

حقوق شهری به‌عنوان لایه‌ای میانجی میان ساختار فضایی و کنش اجتماعی، بر سه مؤلفه کلیدی دسترسی برابر، مشارکت اجتماعی و کرامت انسانی استوار است. تحقق حقوق شهری

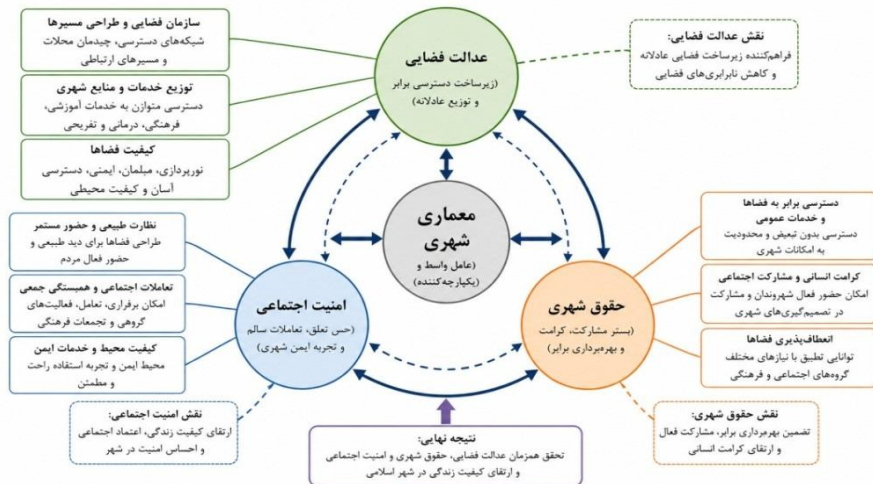
بدون وجود زیرساخت فضایی عادلانه امکان‌پذیر نیست. همچنین عدالت فضایی بدون نهاده‌ای شدن حقوق شهروندی در فرآیند تولید و بهره‌برداری از فضا، ماهیتی ناقص و ناپایدار دارد.

امنیت اجتماعی به‌عنوان یکی از پیامدهای کیفیت فضایی، ارتباط مستقیم با سازمان‌دهی فضاهای شهری دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی همچون نظارت طبیعی، حضورپذیری فضاهای عمومی، کیفیت محیطی و تقویت تعاملات اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای احساس امنیت و کاهش ناهنجاری‌های شهری دارند. امنیت اجتماعی نه صرفاً حاصل کنترل نهادی، بلکه نتیجه مستقیم کیفیت طراحی و عدالت در سازمان فضایی شهر است.

می‌توان بیان کرد که عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی در شهر اسلامی در قالب یک نظام مفهومی درهم‌تنیده و تعاملی عمل می‌کنند. در این نظام، عدالت فضایی نقش زیرساختی و بنیادین دارد، حقوق شهری نقش تنظیم‌کننده و میانجی را ایفا می‌کند و امنیت اجتماعی به‌عنوان برآیند نهایی این تعاملات ظاهر می‌شود. در این میان، معماری شهری به‌مثابه ابزار عملیاتی این نظام، از طریق سازمان‌دهی فضایی، ارتقای کیفیت محیطی و تقویت تعاملات اجتماعی، امکان تحقق هم‌زمان این سه مؤلفه را فراهم می‌سازد و می‌تواند به‌عنوان اصول راهنما مورد توجه معماران و شهرسازان در تحلیل و تبیین نقش معماری در شهر اسلامی به‌صورت هدفمند قرار گیرد. بر این اساس، شهر اسلامی در خوانش معاصر نه صرفاً یک الگوی تاریخی، بلکه یک چارچوب ارزشی-فضایی قابل بازتفسیر است که در آن عدالت، کرامت انسانی و امنیت اجتماعی در بطن ساختار کالبدی شهر متجلی می‌شود؛ بنابراین، بازاندیشی در نقش معماری و شهرسازی با رویکرد حقوق‌محور و عدالت‌محور، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت زندگی شهری و کاهش نابرابری‌های فضایی در شهرهای معاصر اسلامی باشد.

تصویر زیر نشان‌دهنده مدل مفهومی پژوهش در تبیین نقش معماری شهری در تحقق عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی در شهر اسلامی است. در این مدل، عدالت فضایی به‌عنوان زیرساخت اصلی نظام شهری، زمینه‌ساز توزیع عادلانه خدمات، دسترسی فضایی و کیفیت محیطی است. این بستر، امکان شکل‌گیری حقوق شهری شامل دسترسی برابر، مشارکت اجتماعی و کرامت انسانی را فراهم می‌سازد. در ادامه، تحقق حقوق شهری و کیفیت فضایی مناسب منجر به ارتقای امنیت اجتماعی از طریق افزایش نظارت طبیعی، تعاملات اجتماعی و بهبود تجربه زیسته شهروندان می‌شود. در این میان، معماری شهری به‌عنوان عامل واسطه و تنظیم‌کننده، نقش یکپارچه‌کننده میان این سه مؤلفه را ایفا می‌کند.





تصویر ۳. مدل مفهومی تبیین سویه‌های معماری در شهر اسلامی در تعامل با عدالت فضایی، حقوق شهری و امنیت اجتماعی

منابع

- امین زاده، بهناز، و نقی زاده، محمد. (۱۳۸۱). آرمان شهر اسلام: شهر عدالت. صفه، ۱۲(۲)، ۲۱-۳۱.
20.1001.1.1683870.1381.12.4.9.0.
- ابن خلدون. (۱۳۸۵). مقدمه ابن خلدون (محمد پروین گنابادی، مترجم؛ چاپ سیزدهم). انتشارات علمی و فرهنگی.
- اهلرز، اکارت. (۱۳۷۳). شهر شرق اسلامی: مدل و واقعیت (محمدحسین ضیاء توانا و مصطفی مومنی، مترجمان و ویراستاران). تحقیقات جغرافیایی، ۹(۱)، ۲۷-۶۵.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage>.
- ایمانی، بهرام، و سبزی، برزو. (۱۴۰۴). مفهوم سازی عدالت فضایی در راستای تدوین معیارها و شاخص های آن در نظام برنامه ریزی روستایی. مجلس و راهبرد، ۳۲(۱۲۳)، ۲۱۱-۲۴۹.
Doi: 10.22034/mr.2024.16433.5720.
- بلیان اصل، لیدا، و ستارزاده، داریوش. (۱۳۹۴). مقایسه گستردگی شهر تبریز در دوره های ایلخانی، صفوی و قاجار با استناد بر مستندات تاریخی. نشریه هویت شهر، ۲۱(۹)، ۵۷-۷۰.
<https://sanad.iau.ir/journal/hoviatshahr/Article/7077?jid=7077>.
- توسلی، محمود. (۱۴۰۱). اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران (جلد اول). مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
<https://www.gisoom.com/book/1>.
- توسلی، محمود. (۱۳۸۱). ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران. پیام و پیوند نو: تهران.
<http://library.aui.ac.ir/dL/search/default.aspx>.
- سعیدی منفرد، ساناز، حنایی، تکتم، و شیروانی مقدم، سوسن. (۱۳۹۹). تبیین مؤلفه های کالبدی و عملکردی مؤثر بر عدالت فضایی در سکونتگاه های حاشیه ای (مطالعه موردی: کلان شهر مشهد). معماری و شهرسازی پایدار، ۸(۱)، ۶۷-۸۱.
Doi: 20.1001.1.25886274.1399.8.1.5.0.
- عبداللهی، افشین، سعیدی، مهدی، و سیاری، هدیه. (۱۴۰۴). تحلیل عوامل محیطی مؤثر بر پیشگیری از جرم و افزایش حس امنیت و مصونیت از خطر در پارک های شهری (نمونه موردی: پارک آبدار شهر سنج). پژوهش های جرم شناسی کاربردی، ۳(۱۰)، ۲۹-۶۰.
Doi: 10.22034/aqr.2025.2071622.1111.
- علیزاده، هوشمند، و حبیبی، کیومرث. (۱۳۹۰). عوامل شکل دهنده شهرهای اسلامی-تاریخی مسلمانان. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۳(۱)، ۷۱-۷۶.
<https://www.magiran.com/paper/>.
- فلامکی، منصور. (۱۴۰۲). شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب (چاپ سوم). تهران: فضا.
<https://ajansbook.ir>.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۹۲). سازمان فضایی در شهر اسلامی ایران. هنر و تمدن شرقی، ۱(۱)، ۵۱-۶۲.
https://www.jaco-sj.com/article_3691.html



- نوری، مریم، عزیزی، شادی، و نصیر سلامی، محمدرضا. (۱۳۹۸). تبیین جایگاه اصول راهنما در فهم معمار بومی از مسئله طراحی معماری (مطالعه موردی: روستای سراج‌محله). مسکن و محیط روستا، ۳۸(۱۶۵)، ۶۴-۴۹.

<http://jhre.ir/article-۱-۱۷۰۵-fa.html>

- AlSaiyad, N. (1997). *Urbanism, history, and the Islamic city*. Routledge.

DOI:10.1016/B978-008044910-4.01058-0.

- Ardalan, N., & Bakhtiar, L. (1973). The sense of unity: The Sufi tradition in *Persian architecture*. University of Chicago Press. Bianca, S. (2000). *Urban form in the Arab world: Past and present*. Thames & Hudson.

DOI:10.1017/S0020743800035005

- Balilan Asl, L., Nouri, M., & Sattarzadeh, D. (2014). Investigating the Spatial Organization and Structure of Iranian Cities till Mid Qajar Era and Presenting Pattern of Traditional Structure of Cities in This Era. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 7(12), 81-105.

https://www.armanshahrjournal.com/article_33520.html?lang=en

- Fainstein, S. S. (2010). *The just city*. Cornell University Press. Habitat International. (2025). Defining spatial justice: A review. *Habitat International*, 160, 103387.

<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2025.103387>.

- Feitosa, F. O., Wolf, J. H., & Marques, J. L. (2024). Operationalizing spatial justice in urban planning: Bridging theory with practice. *Urban Research & Practice*, 17(5), 720-736.

<https://doi.org/10.1080/17535069.2024.2341254>

- Fuchs, C.h. (2019). Henri Lefebvre's Theory of the Production of Space & the critical theory Communication, *Communication Theory*, 29(2).

https://www.researchgate.net/publication/328004569_Henri_Lefebvre%27s_Theory_of_the_Production_of_Space_and_the_Critical_Theory_of_Communication

- Harvey, D. (2009). *Social justice and the city* (Rev. ed.). University of Georgia Press. (Original work published 1973).

https://www.researchgate.net/publication/287246776_Social_justice_and_the_city_Revised_Edition

- Hourani, A., & Stern, S. M. (Eds.). (1970). *The Islamic city: A colloquium*. University of Pennsylvania Press.

<https://www.amazon.com/Islamic-City-Colloquium-Albert-Hourani/dp/0851810012>.

- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. Random House.

<https://openyls.law.yale.edu/server/api/core/bitstreams/fe7b632d-e82d-47fa-99d5-fa796b619210/content>

- Lefebvre, H. (1991). *Le droit à la ville*. Anthropos.

<https://theanarchistlibrary.org/library/henri-lefebvre-right-to-the-city>

- Newman, O. (1972). *Defensible space: Crime prevention through urban design*.

https://books.google.com/books/about/Defensible_Space.html?id=_r_SAAAAIAAJ.

- Rawls, J. (1971). *A theory of justice*. Harvard University Press.

https://books.google.com/books/about/A_Theory_of_Justice.html?hl=id&id=b7GZr5Btp30C

- Soja, E. W. (2010). *Seeking spatial justice*. University of Minnesota Press.

Watson, S. (Ed.). (2020). *Spatial justice in the city*. Routledge.

<https://www.jssj.org/wp-content/uploads/2012/12/JSSJ1-1en4.pdf>.

